



تاریخ فلسفه غرب (۶)

فلسفه انگلیسی زبان
۱۷۵۰ تا ۱۹۴۵

جان اسکوروپسکی

ترجمه

یاسر خوشنویس



تاریخ فلسفه غرب (۶)

فلسفه انگلیسی زبان

۱۷۵۰ تا ۱۹۴۵

جان اسکوروپسکی

ترجمه

یاسر خوشنویس

تهران

۱۳۹۹



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

سرشناسه: اسکوروپسکی، جان، ۱۹۴۶ - م.
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ فلسفه غرب (۶): فلسفه انگلیسی زبان ۱۷۵۰ تا ۱۹۴۵ / جان اسکوروپسکی؛ ترجمه یاسر خوشنویس؛ ویراستار علمی: محمدابراهیم باسط.
مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: هفت، ۲۳۹ ص.
فروست: «سمت»: ۲۳۹۹. فلسفه و کلام: ۱۰۶.
فروست کتاب اصلی: تاریخ فلسفه غرب (۶)
شابک: ۰-۲۲۱۳-۶۰۰-۹۷۸-۲۸۰۰۰۰ ریال
یادداشت: عنوان اصلی: English-Language Philosophy, 1750 to 1945, c1993.
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: فلسفه جدید — قرن ۱۸ م., Philosophy, Modern -- 18th Century
موضوع: فلسفه جدید — قرن ۲۰ م., Philosophy, Modern -- 20th Century
موضوع: فلسفه جدید — قرن ۱۹ م., Philosophy, Modern -- 19th Century
موضوع: فلسفه — تاریخ, Philosophy -- History
شناسه افزوده: خوشنویس، یاسر، ۱۳۶۱ - ، مترجم.
شناسه افزوده: باسط، محمدابراهیم، ۱۳۶۲ - ، ویراستار علمی.
شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT), Institute for Research and Development in the Humanities.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۹ B ۸۰۳
رده‌بندی دیویی: ۱۹۰/۹
شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۱۵۴۶۲

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی



English-Language Philosophy 1750 to 1945; John Skorupski. Oxford; New York: Oxford University Press, 1993.

تاریخ فلسفه غرب (۶): فلسفه انگلیسی زبان ۱۷۵۰ تا ۱۹۴۵

جان اسکوروپسکی

ترجمه یاسر خوشنویس

ویراستار علمی: محمدابراهیم باسط

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت

چاپ و صحافی: چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه‌روی

پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۰۲-۴۴۲۴۶۲۵۰

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

@sazmn_samt

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آنقدر
خاطره‌آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامی‌های دیگر را از یاد می‌برد.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳۸

سخن «سمت»

یکی از هدف‌های مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است و این امر، مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنای و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در رشته‌های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب‌نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادات و یادآوری‌های پیاپی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که این بزرگواران از این همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته فلسفه در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی برای درس «فلسفه تحلیلی» به ارزش ۲ واحد و سایر دروس تاریخ فلسفه غرب ترجمه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
شش	یادداشت مترجم
۱	مقدمه
۴	عناوین اختصاری آثار
۷	فصل اول: از هیوم تا میل: رید، بنتام و کالریج
۴۰	فصل دوم: اوج لیبرال: میل و عصر وی
۸۳	فصل سوم: پایان قرن نوزدهم: ایدئالیست‌ها، پراگماتیست‌ها و علم‌گرایان
۱۳۷	فصل چهارم: مدرنیسم ۱: فرگه و کمبریج
۱۸۹	فصل پنجم: مدرنیسم ۲: وین
۲۲۶	فصل ششم: پس‌گفتار: پس از مدرنیسم
۲۳۰	برای مطالعه بیشتر
۲۳۳	واژه‌نامه
۲۳۶	فهرست اعلام

یادداشت مترجم

در بسیاری از کلاس‌های تدریس فلسفه و نیز در بسیاری از کتاب‌های فلسفی، دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها چنان ارائه می‌شوند که گویی خصلتی فرازمانی و فرامکانی دارند. معمولاً مشخص نمی‌شود چرا فیلسوفی در زمانی خاص، برای مثال اوایل قرن نوزدهم، درگیر پرداختن به مسئله‌ای بخصوص شده است. مطالعه تاریخ اندیشه به طور کلی و تاریخ فلسفه به طور خاص به ما امکان می‌دهد که خصلت تاریخی اندیشه را دریابیم و درک کنیم چگونه برخی مسائل فلسفی در واکنش به جریان‌ها و تحولات فلسفی پیشین و علاوه بر این، در واکنش به تحولاتی در سایر حوزه‌ها همچون علم، فرهنگ و سیاست اهمیت می‌یابند و برجسته می‌شوند.

در میان گرایش‌های فلسفی مختلف، بی‌توجهی به تاریخ فلسفه شاید بیش از همه در فلسفه تحلیلی رواج دارد. شخصاً این موضوع را در دوره تحصیلم و نیز در گفت‌وگوهایی که با اهل فلسفه تحلیلی داشته‌ام، تجربه کرده‌ام. از آنجا که دامنه تاریخی این جلد از تاریخ فلسفه غرب شکل‌گیری فلسفه تحلیلی را نیز در بر می‌گیرد، می‌تواند درک ما را از تحولاتی تاریخی که به ظهور و بسط این گرایش فلسفی منجر شد، عمق بخشد.

مضمون دیگری که در این مجلد بررسی می‌شود، تقابل میان علم‌گرایی / تجربه‌گرایی / طبیعت‌گرایی / ملهم از روشنگری از یک سو و نقادی رمانتیک / ایدئالیستی از سوی دیگر است. این نقادی را می‌توان در سرتاسر قرن نوزدهم و خصوصاً در آثار کارل ریچ و برادلی دید. اگرچه جهانی که امروزه می‌شناسیم، با تفوق اندیشه علم‌گرا / طبیعت‌گرا پیش می‌رود و نقادی رمانتیک بروز اجتماعی کمتری نسبت به گذشته دارد، اما بررسی تاریخ تقابل این دو رویکرد کماکان جالب توجه و روشنگر است و به ما فرصت می‌دهد به اشکال دیگری از نظروরزی و عمل اجتماعی فکر کنیم که در واقع محقق نشده‌اند.

از مدیران و دست‌اندرکاران سازمان «سمت» که امکان ترجمه کتاب را فراهم

کردند و خصوصاً از ویراستار محترم آقای دکتر محمدابراهیم باسط، که کیفیت ترجمه را بهبود بخشیدند، تشکر می‌کنم. امیدوارم مطالعه این کتاب به ما کمک کند تحولات اندیشه فلسفی انگلیسی‌زبان که جهان معاصر را تا اندازه زیادی شکل داده است، بهتر دریابیم.

یاسر خوشنویس

مهرماه ۱۳۹۹

مقدمه

این تاریخی است که یک فیلسوف نوشته است، نه یک مورخ. هنگامی که متفکران گذشته نزد معاصران احضار می‌شوند، حس آهنگ‌گند و شکوفایی تدریجی فلسفه از دست می‌رود؛ سعی کرده‌ام از این امر پرهیز کنم. البته آرائم را بیشتر از یک مورخ ایده‌ها در این کتاب دخالت داده‌ام و بسیار بیشتر گزینشی عمل کرده‌ام. داستان را از یک منظر فلسفی امروزی و بدون انکار کردن وقوف بعد از وقوع روایت می‌کنم.

مضامینی را انتخاب کرده‌ام که اگر به گذشته نگاه کنیم برجسته بوده‌اند و در بحث دربارهٔ فلاسفه‌ای که آن‌ها را بسط داده‌اند، وارد جزئیات شده‌ام. نتیجهٔ کار متنی دائرةالمعارفی نیست. صرف افزودن فهرستی از نام‌ها کمکی نمی‌کند، بنابراین چنین کاری نکرده‌ام، اگرچه فهرست فلاسفه‌ای که در صفحات آتی به آن‌ها اشاره نشده یا تنها اندکی به آن‌ها پرداخته شده، هشدار برای من است. اما حتی فلاسفه‌ای که به آن‌ها پرداخته شده، همگی به نحوی جامع مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. برای مثال، در این کتاب به منطق و کیهان‌شناسی گمان‌پردازانه پرس^۱ و دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی راسل^۲ پرداخته‌ام. مضمونی که بابت عبور از آن بیش از همه متأسفم، دیدگاه‌های مهم مور^۳ دربارهٔ شکاکیت است که به مضامین محوری کتاب مرتبط‌اند و بخشی از شهرت و اعتبار کنونی مور به سبب آن‌هاست. این مباحث باید به دلیل محدودیت فضا کنار گذاشته می‌شدند. معتقدم انتخاب‌هایی کرده‌ام که نسبتاً مناقشه‌ای برنمی‌انگیزند، اما به هر حال یقیناً انتخاب‌اند: می‌شد داستان‌های دیگری روایت کرد. مضمون اصلی در داستانی که روایت خواهم کرد نزاع میان طبیعت‌گرایی^۴، یعنی فلسفهٔ روشنگری که انسان را کاملاً بخشی از طبیعت می‌بیند، و رد طبیعت‌گرایی است که پس از

1. Peirce
2. Russell
3. Moore
4. naturalism

نقادی تأثیرگذار کانت بر آن پدیدار شد. امکان تجربه فهم‌پذیر، یعنی وجود معرفت پیشینی، محور نقادی کانت بود. ادعاهای فرهنگی گسترده‌تر دربارهٔ دین، اخلاق و زندگی سیاسی بر این محور استوار شدند. این ستون‌ها به این دلیل تثبیت شدند که در قرن نوزدهم، به نظر بسیاری چنین می‌رسید که برخی از آشکال ایدئالیسم پسا کانتی تنها راه نجات دادن عقل، ایمان و آزادی‌اند. بنابراین، این موضوع به مناقشهٔ نقادانهٔ اصلی در فلسفهٔ قرن نوزدهم بدل شد.

فصل‌های چهارم و پنجم به فلسفهٔ تحلیلی قرن بیستم اختصاص دارد. سنت تحلیلی در زبان انگلیسی غالب بوده است، و بنابراین طبیعتاً به این مجلد تعلق دارد. با این حال، در پرداختن به این سنت به بررسی فلاسفه‌ای سوق یافته‌ام که هرچند در آن دارای اهمیت بسیاری هستند، اما به آلمانی می‌نوشتند - یا در یک مورد به فرانسوی.

فلسفهٔ تحلیلی به دو شیوه تلاش کرد به مناقشهٔ قرن نوزدهم میان طبیعت‌گرایی و ایدئالیسم خاتمه دهد. تلاش اول در فصل چهارم بررسی می‌شود و آن را «واقع‌گرایی مفهومی» می‌نامم. واقع‌گرایی مفهومی اقدامی انحرافی در قرن نوزدهم بود که نه در جهان انگلیسی یا آلمان پروتستان، بلکه در اروپای مرکزی کاتولیک پدیدار شد، یعنی جایی که صحنهٔ مقاومت هم در برابر طبیعت‌گرایی و هم در برابر فلسفهٔ «نقادی» کانت بود. فیلسوف و ریاضی‌دان آلمانی گوتلوب فرگه^۱، به صورت مستقل، آن را با وضوح و بصیرتی عالی ارائه کرد، و سپس با اندکی تفاوت و باز هم مستقل، در دورهٔ کوتاه واقع‌گرایی مفهومی در کمبریج پیش از جنگ جهانی اول نیز ارائه شد.

از منظر کانتی، چنین شکلی از واقع‌گرایی «پیشانقادانه» به نظر خواهد رسید. اما مرحلهٔ دوم فلسفهٔ تحلیلی شاهد تلاشی برای خاتمه بخشیدن به مناقشات متافیزیکی قرن نوزدهم بود که می‌توان آن را تا حدی «پسانقادانه» نامید: تلاش ویتگنشتاین و کارناب برای منحل کردن متافیزیک (فصل‌های پنجم و ششم). فلسفهٔ تحلیلی پسانقادانه، که به سنت انتقادی تعلق دارد با اینکه سعی دارد آن را منحل کند، تأثیری گسترده در فرهنگ معاصر داشته است، اما در میان فلاسفهٔ انگلیسی‌زبان، اگر هنوز باقی مانده باشد، در حال افول است. با این همه، این سنت باز هم می‌تواند تاریخ خودش را داشته باشد.

پرسشی که در بن فلسفهٔ اخلاق و فلسفهٔ سیاسی قرن نوزدهم جای داشت نیز هنوز قوت خود را از دست نداده است: چگونه باید به برآمدن تجارت و علم و افول دین واکنش نشان داد؟ زندگی روحانی در چنین جامعه‌ای چه جایگاهی دارد؟ فلسفه حتی دربارهٔ چنین پرسش

بزرگی نیز با خودمختاری نسبتاً قابل ملاحظه‌ای به کار خود ادامه داد، هرچند بسیاری از ارتباطات فلسفه با دیگر جریان‌های فرهنگی، علمی و دینی به این پرسش گره خورده است. تمایز قاطع میان امور تجربی، مفهومی و هنجاری که فلاسفه در نیمه اول قرن بیستم تأکید زیادی بر آن داشتند، ظاهراً این ارتباطات را منفصل می‌کند و پرسش مذکور را کنار می‌گذارد. حقیقتی در این ظاهر نهفته است، اما گمراه‌کننده نیز هست. سعی کرده‌ام این را تا حدی نشان دهم، اگرچه فقط به نحو ضمنی توانستم این کار را انجام دهم.

از انتشارات دانشگاه آکسفورد برای صبرشان در قبال تأخیرهای متعددی که در نگارش این کتاب پیش آمد تشکر می‌کنم. توضیحات اندی همیلتون^۱ درباره فصل‌های سوم تا ششم، نظرات باب هیل^۲ درباره فرگه در فصل چهارم، کریس هوک‌وی^۳ درباره پرس در فصل سوم و جان کنیان^۴ درباره کل کتاب بی‌اندازه ارزشمند بودند.

1. Andy Hamilton
 2. Bob Hale
 3. Chris Hookway
 4. John Kenyon

عناوین اختصاری آثار

- B *The Works of Jeremy Bentham*, ed. John Bowring (Edinburgh, 1843).
- Bf Jeremy Bentham, *A Fragment on Government*, ed. J. H. Burns and H. L. A. Hart (London, 1988).
- Bi Jeremy Bentham, *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*, ed. J. H. Burns and H. L. A. Hart (London, 1970).
- BRa F. H. Bradley, *Appearance and Reality*, 2nd edn. (London, 1902).
- BRe F. H. Bradley, *Ethical Studies*, 2nd edn. (Oxford, 1927).
- BRk F. H. Bradley, "On our Knowledge of Immediate Experience", *Mind*, 18 (1909), 40-64.
- BRp F. H. Bradley, "A Personal Explanation", *International Journal of Ethics*, 5 (1894-5), 383-4.
- Bs *Jeremy Bentham's Economic Writings*, ed. Werner Stark, i-iii (London, 1952-4).
- C *The Collected Works of Samuel Taylor Coleridge*, general editor: Kathleen Coburn (London and Princeton, NJ, 1969-).

ارجاعات به مجلدات این مجموعه، با اشاره به شماره اثر و شماره جلد مربوطه انجام گرفته است. برای مثال، C 7i به معنای اثر هفتم در مجلد اول است.

- Ca Rudolf Carnap, *The Logical Structure of the World*, trans. Rolf A. George (London, 1967).
- Cg *Collected Letters of Samuel Taylor Coleridge*, ed. E. L. Griggs (Oxford, 1956).
- Cl Rudolf Carnap, *The Logical Syntax of Language*, trans. Amethe Smeaton (London, 1937).
- Db *Dictionary of Philosophy and Psychology*, ed. J. M. Baldwin (London and New York, 1901-5).
- Fb Gottlob Frege, *Conceptual Notation and Related Articles*, trans. and ed. Terrell Ward Bynum (Oxford, 1972).
- Fbl Gottlob Frege, *The Basic Laws of Arithmetic*, trans. and ed. Montgomery Furth (Berkeley, Calif. and Los Angeles, 1964).
- Ff Gottlob Frege, *The Foundations of Arithmetic*, trans. J. L. Austin (Oxford, 1974).
- Fp Gottlob Frege, *Posthumous Writings*, ed. Hans Hermes, Friedrich Kambartel, Friedrich Kaulbach, trans. Peter Long and Roger White (Oxford, 1979).

- Ft *Translations from the Philosophical Writings of Gottlob Frege*, ed. Peter Geach and Max Black (Oxford, 1960).
- G *Works of Thomas Hill Green*, ed. R. L. Nettleship (London, 1885-8).
- Gp T. H. Green, *Prolegomena to Ethics*, 5th edn. (Oxford, 1906).
- Je William James, *Essays in Radical Empiricism (The Works of William James)*, eds. Fredson Bowers and Ignas K. Skrupskelis (Cambridge, Mass. and London, 1976).
- Jm J. Kenna, "Ten Unpublished Letters from James to Bradley", *Mind*, 75 (July 1966), 309-31.
- Jp William James, *Pragmatism and the Meaning of Truth* (London, 1978).
- Jpc William James, *A Pluralistic Universe* (London, 1909).
- Jpr William James, *The Principles of Psychology* (London, 1890).
- M *Collected Works of John Stuart Mill*, general editor: John M. Robson (London and Toronto, 1963).
- Ma Ernst Mach, *The Analysis of Sensations* (New York, 1959).
- Me Ernst Mach, "The Economical Nature of Physical Inquiry", in *Popular Scientific Lectures*, trans. T. J. McCormack, 4th edn. (Chicago, 1910).
- Mn G. E. Moore, "The Nature of Judgement", *Mind*, 8 (1899), 176-93.
- Mp G. E. Moore, *Principia Ethica* (Cambridge, 1989).
- Ms Ernst Mach, *The Science of Mechanics* (Chicago, 1960).
- N Otto Neurath, *Empiricism and Sociology*, ed. Marie Neurath and Robert S. Cohen (Dordrecht, 1973).
- Ns Otto Neurath, "Sociology and Physicalism", in A. J. Ayer, ed., *Logical Positivism* (New York, 1959).
- P *The Collected Papers of Charles Sanders Peirce*, i-vi, ed. Charles Hartshorne and Paul Weiss (Cambridge, Mass., 1931-5); vii-viii, ed. Arthur W. Burks (Cambridge, Mass., 1958).
- R *The Works of Thomas Reid, with Selections from his Unpublished Letters*, Preface, Notes and Supplementary Dissertations, by Sir William Hamilton, Bart., 6th edn. (Edinburgh and London, 1863).
- Ra Bertrand Russell, *Autobiography* (London, 1978).
- Ri Bertrand Russell, *Introduction to Mathematical Philosophy* (London, 1919).
- Rl Bertrand Russell, *A Critical Exposition of the Philosophy of Leibniz* (Cambridge, 1900).
- Rlk Bertrand Russell, *Logic and Knowledge*, ed. Robert C. Marsh (London, 1956).
- Rm Bertrand Russell, *My Philosophical Development* (London, 1959).
- Rp Bertrand Russell, *The Principles of Mathematics* (London, 1992).
- Rpp Bertrand Russell, *The Problems of Philosophy* (London, 1962).
- Rw Bertrand Russell and Alfred North Whitehead, *Principia Mathematica* (Cambridge, 1952).

- Sc Paul Arthur Schilpp, ed., *The Philosophy of Rudolf Carnap* (La Salle, Ill., 1963).
- Sg Moritz Schlick, *General Theory of Knowledge*, trans. Albert E. Blumberg (La Salle, Ill., 1985).
- Sm Paul Arthur Schilpp, ed., *The Philosophy of G. E. Moore* (Evanston and Chicago, 1942).
- Sp Moritz Schlick, *Philosophical Papers* (2 vols., Dordrecht, 1979).
- Sr Paul Arthur Schilpp, ed., *The Philosophy of Bertrand Russell* (Evanston and Chicago, 1946).
- Wc Ludwig Wittgenstein, *Culture and Value*, ed. G. H. von Wright, trans. Peter Winch (Oxford, 1980).
- Wv Ludwig Wittgenstein, *Wittgenstein and the Vienna Circle: Conversations Recorded by Friedrich Waismann*, ed. Brian McGuinness, trans. Joachim Schulte and Brian McGuinness (Oxford, 1979).

از هیوم تا میل: رید، بنتام و کالریج

دیوید هیوم^۱ (۱۷۱۱-۱۷۷۶) از جمله برجسته‌ترین شکل‌دهندگان تفکر مدرن است. او و کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) بزرگ‌ترین فلاسفه دوره روشنگری بودند. در عین حال، هر دو بذرهایی را کاشتند که واکنش رمانتیک به روشنگری از آن نضج گرفت.

هیوم در طول عمرش چهره‌ای به شدت مناقشه‌آفرین بود. به نظر می‌رسید که وی هم ایمان و هم عقل را از ریشه برمی‌کند، و در نتیجه بسیاری شدیداً با وی مخالفت می‌کردند، اما نمی‌توانستند او را نادیده بگیرند. با این حال، تأثیر وی در دو ثلث آغازین قرن نوزدهم کاهش یافت. تنها در ثلث پایانی بود که علاقه به هیوم احیا شد. ارنست ماخ^۲، فیزیک‌دان و فیلسوف وینی، هیوم را نیای خود یافت و فلاسفه حلقه وین نیز بعداً به همین تلقی رسیدند. در بریتانیا^۳، تقریباً در همان زمانه ماخ، موجی چشمگیر از علاقه به فلسفه رمانتیک آلمان شکل گرفته بود: هیوم اکنون به عنوان آخرین تجربه‌گرای بزرگ بریتانیایی به قلب مباحثات وارد می‌شد، چهره‌ای کلیدی که با رساندن تجربه‌گرایی به حد نهایی‌اش، «خواب جزمی» کانت را بر هم زده بود. احیای هیوم پدیده‌ای مربوط به اواخر قرن نوزدهم بود که مستقیم یا غیر مستقیم از تأثیرات قاره‌ای نشئت می‌گرفت.

طی ثلث اول قرن نوزدهم، فلسفه آلمانی از طریق واکنشی قاطع علیه تفکر روشنگری پیش می‌رفت (واکنشی که در بالا به تأثیر همراه با تأخیرش بر بریتانیا اشاره کردیم). این واکنش در عمیق‌ترین سطح واکنشی علیه طبیعت‌گرایی بود، یعنی بنیان متافیزیکی تفکر

1. David Hume

2. Ernst Mach

۳. نویسنده در این کتاب به تفصیل به روابط میان فلاسفه در دو بخش بریتانیا یعنی اسکاتلند و انگلستان می‌پردازد. بنابراین، در مواردی که فلسفه انگلیسی‌زبان را به طور کلی در نظر داشته‌ام، واژه بریتانیا یا بریتانیایی استفاده کرده و هنگامی که به تفاوت‌های درونی فلسفه انگلیسی‌زبان توجه داشته‌ام، از مکاتب اسکاتلندی و انگلیسی نام برده‌ام. در ترجمه نیز این نکته رعایت شده است - م.

روشنگری، و همچنین، می توان گفت نقطه تعادل فلسفه بریتانیایی دست کم از زمان لاک و نیوتن. طبیعت گرایی انسان ها را کاملاً بخشی از طبیعت تلقی می کرد: موضوعی مناسب در یک علم طبیعی درباره بشر. این تلقی واجد بیشترین اهمیت در سرتاسر کتاب حاضر خواهد بود.

کانت در تفکر هیوم میان طبیعت گرایی وی و تحلیل به شدت شکاکانه اش درباره عقل ارتباطی بنیادین می دید. کانت استدلال می کرد که مورد دوم به نحوی ناگزیر از مورد اول ناشی می شود و مزیت بزرگ هیوم در این است که رابطه مذکور را برای اولین بار آشکار کرده است: اگر طبیعت گرایی درست است، معرفت ناممکن خواهد بود (و در نتیجه به طور خاص، طبیعت گرایی را نمی توان درست دانست). کانت مسیر استنتاج را برعکس کرد: از آنجا که معرفت ممکن است، طبیعت گرایی باید کاذب باشد؛ نکته اخیر نقطه آغاز فلسفه نقادی وی بود. اغراق نیست اگر بگوییم که طبیعت گرایی خودش تنها به دلیل قرار گرفتن در برابر بدیل کانتی اش یعنی «ایدئالیسم استعلایی»^۱ است که به عنوان آموزه ای فلسفی مورد توجه بسیار قرار می گیرد. وارون این موضوع نیز صادق است. اگر بتوان نشان داد که ایدئالیسم استعلایی، و حتی فلسفه های ایدئالیستی بلندپروازانه تری که سعی داشتند از آن عبور کنند، بی معنا هستند - چنان که خطوط فکری قرن بیستمی که در ادامه به آن ها خواهیم پرداخت، بر این عقیده بودند - طبیعت گرایی نیز از مرکز توجه خارج می شود. آموزه ای که رد آن بی معناست، خودش نیز فاقد معنا خواهد بود.

اما این پیش دستی کردن است. در آن زمان، هیچ پرسشی درباره این آموزه وجود نداشت جز اینکه معنادار بود. هنگامی که کانت با استنتاجی که در آثار هیوم تشخیص داده بود - یعنی رسیدن از این مقدمه که انسان ها کاملاً بخشی از طبیعت اند به یک نتیجه شکاکانه افراطی - مخالف کرد، طبیعت گرایی را از بستر ایده های ناصریحی که یک دوره فکری را تشکیل می دادند، خارج کرد و آن را به یک آموزه فلسفی مورد مناقشه بدل ساخت. طبیعت گرایی در قلب مباحثات فلسفی قرن نوزدهمی باقی ماند. کانت در راه روی ایدئالیسم قرن نوزدهم گشود، و این ایدئالیسم کانت را بدون تعارف به عقب راند، چرا که با او در این خصوص موافق بود که ذهن بخشی از طبیعت نیست، اما به نحوی جسورانه بر این آموزه رهایی بخش تر تأکید می کرد که طبیعت خود نوعی بیرونی سازی یا عینیت یافتن خود ذهن است. این ایده ها در فلسفه آلمانی از کانت تا هگل بسط یافتند.

نقش هیوم به عنوان کسی که به تکامل ایدئالیسم آلمانی سرعت بخشیده بود فلاسفه

بریتانیایی را در پایان قرن نوزدهم تحت تأثیر قرار داد. اما در ثلث اول این قرن، فلسفه بریتانیایی دوره‌ای را پشت سر می‌گذاشت که در آن هیوم دقیقاً به دلیل شکاکیتش در محاق قرار گرفته بود. شکاکیت او آن طور دیده نمی‌شد که کانت بدان می‌نگریست، که در خود «تلاش برای وارد کردن روش استدلال تجربی به موضوعات اخلاقی» مضمّن بود، و هیوم آن را در دیباچه رساله در باب ماهیت بشر^۱ اعلام کرده بود. این شکاکیت بیشتر وجود نقص در پیش‌فرض‌هایی را نشان می‌داد که هیوم در این تلاش به کار گرفته بود - چنان‌که تامس رید^۲ و هم‌قطارانش تصور می‌کردند. یا به سبب جلوه‌فروشی‌های ادبی هیوم بود - خسارتی بی‌ربط بر جنبه علمی جدی تفکر او. این دیدگاه جرمی بنتام^۳ و فلاسفه هم‌قطار او بود.

تامس رید (۱۷۱۰-۱۷۹۶) و جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) دو چهره بزرگ در دوره فترت فلسفه بریتانیایی میان هیوم و میل هستند. ساموئل تیلور کالریج^۴ (۱۷۷۲-۱۸۳۴) نیز چهره سوم است. رید اولین نقد داخلی را بر آثار هیوم فراهم آورد؛ بنتام گرایش تداعی‌گرا^۵ و فایده‌گرا^۶ را بسط داد که آن را در آثار هیوم و برخی نویسندگان قرن هجدهمی دیگر مانند دیوید هارتلی^۷ یافته بود. تقابل میان این دو مکتب حول صورت و محتوای درست یک علم طبیعی درباره بشر بود، نه شرایط امکان آن. کالریج بود که زحمت گشودن دوهای اذهان بریتانیایی بر فلسفه نقادی کانت و پیامد خارق‌العاده آن در آلمان را به عهده گرفت.

تمامی این افراد تأثیری بزرگ بر جای گذاشتند که از فلسفه فراتر رفت و به فرهنگ عمومی بریتانیا و آمریکا رسید. اما تأثیر رید و دیگر فلاسفه مکتب «فهم عرفی»^۸ اسکاتلند ابتدا در خود فلسفه بیش از همه بود، آن هم نه فقط در جهان انگلیسی‌زبان بلکه همچنین در اروپا. بنتام و کالریج بیشتر به عنوان نظریه پرداز حقوق، سیاست یا فرهنگ تأثیرگذار بودند، نه به عنوان فلاسفه محض. علاوه بر این، ایده‌های آن‌ها را افرادی متأخرتر جذب و بازاندیشی کردند، که این موجب شده در دوره معاصر چندان به چشم نیایند. از سوی دیگر، فلسفه فهم عرفی در نوشته‌های فلاسفه اسکاتلندی‌ای که آن را صورت‌بندی کردند از حیث بیان به کمالی خاص رسید و به عنوان امری چالش‌برانگیز در فلسفه باقی ماند (و هنوز هم باقی است).

1. *Treatise of Human Nature*
2. Thomas Reid
3. Jeremy Bentham
4. Samuel Taylor Coleridge
5. associationist
6. utilitarian
7. David Hartley
8. common sense

تامس رید یک سال پیش از تولد هیوم متولد شد و بیست سال پس از مرگ وی از دنیا رفت. تقریباً پنجاه سال اول زندگی اش را حوالی آبردین سپری کرد که نزدیک آن متولد شده بود. در آبردین تحصیل کرد، سرپرست یک کلیسای پروتستانی مشایخی در روستایی در حومه این شهر شد و در سال ۱۷۵۲ به استادی فلسفه در کینگز کالج آبردین رسید. یازده سال بعد کرسی فلسفه اخلاق در گلاسکو را گرفت، پس از آدام اسمیت؛ در ۱۷۹۶ در گلاسکو درگذشت.

رید معتقد بود که مزیت اصلی فلسفه اش رد چیزی است که آن را «نظام ایدئال»^۱ می نامید - عنوانی مرسوم تر برای آن نظریه ایده هاست. نظام ایدئال طرز فکری درباره عملکرد ذهن بود که رید عقیده داشت به یک راست کیشی زیان بار در زمانه دکارت و لاک بدل شده بود - هرچند او خاستگاه آن را بسیار قدیمی تر می دانست. رید در تقدیم نامه اولین اثر بزرگش با عنوان جستاری درباره ذهن بشری بر مبنای اصول فهم عرفی^۲ (۱۷۶۴)، نظام ایدئال را چنین توصیف می کند: «فرضیه ای که طبق آن ... چیزی ادراک نمی شود، جز آنچه درون ذهنی است که آن را ادراک می کند» (R 96).

نقد رید بر نظام ایدئال محصول مطالعه او روی رساله هیوم در ۱۷۳۹ بود. تا آن زمان، رید یکی از پیروان بارکلی بود، اما خواندن اثر هیوم موجب شد که دیدگاه بارکلی را کنار بگذارد و فلسفه خودش را بسط دهد.

هم بارکلی و هم هیوم بر مبنای اصول لاک پیش می رفتند. در آثار لاک، «ایده» عبارت بود از «هر ابژه^۳ بی واسطه ذهن در هنگام اندیشیدن»^۴. در اینجا باید «اندیشیدن» را به نحوی

۱. ideal system، واژه idea در متون فارسی گاه به «تصور» ترجمه شده است، اما هنگام ترجمه صفت نسبی ideal و مکتب فکری idealism معادل هایی چون «تصوری» یا «تصورگرایی» مرسوم نیستند. به همین دلیل و برای حفظ یکدستی متن، سه واژه انگلیسی مذکور به ترتیب به صورت «ایده»، «ایدئال» و «ایدئالیسم» ترجمه شده اند. در موارد معدودی که معنای مورد نظر از ideal حالت آرمانی و کمال یافته بوده، از واژه «آرمانی» استفاده شده است - م.

2. *An Inquiry into the Human Mind on the Principles of Common Sense*

۳. object، در این کتاب، واژه object به کرات به کار رفته است. در مواردی که بحث جنبه معرفت شناختی داشته و مقصود از object امری بیرونی یا درونی نسبت به ذهن بوده که سوژه آگاه آن را تجربه می کند یا درباره آن می اندیشد، این واژه به صورت «ابژه» نگاشته شده و معادلی چون «متعلق شناسایی» به کار نرفته است. در مواردی که بحثی وجودشناختی یا منطقی درباره ساختار object در میان بوده، معادل «شیء» به کار رفته است. همچنین، دو صفت objective و subjective به ترتیب به صورت «ابژکتیو» و «سوبژکتیو» نگاشته شده اند؛ معادل «عینی» برای واژه objective در متن به کار نرفته و معادل «ذهنی» برای واژه mental در نظر گرفته شده است - م.

۴. از نامه دوم لاک به اسقف ورچستر (Worcester).

موسع فهمید که بر هر نوع فعالیت آگاهی دلالت کند؛ فرض می‌شد که ابژه بی‌واسطه اندیشه خودش یک امر ذهنی است. لاک می‌گفت که ایده‌ها در «حس»^۱ یا «تأمل»^۲ داده می‌شوند. ایده‌ای نداریم که در نهایت از یکی از این دو منبع نشئت نگرفته باشد. ایده‌های حس آن‌هایی هستند که وقتی جهان پیرامونم را ادراک می‌کنم^۳ یا به نظر می‌رسد که ادراک می‌کنم، بی‌واسطه از آن‌ها آگاهم. ایده‌های تأمل ابژه‌های بی‌واسطه آگاهی من از اندیشه‌ها^۴ و احساس‌ها^۵ هستند (رید این دسته‌بندی را ناصحیح می‌دانست، چرا که «دسته دوم دسته اول را در بر می‌گیرد» (R 208)).

یک ایده یا به صورت بی‌واسطه در حس یا تأمل داده می‌شود یا رونوشتی از چنین ایده‌ای است یا ترکیبی ساخته‌شده از چنین رونوشت‌هایی است. از آنجا که به نظر لاک، در اندیشه صرف، ذهن همواره با رونوشت‌ها و ترکیب‌های حاصل از آن‌ها سروکار دارد، آموزه‌ای روان‌شناختی حاصل می‌شود مبنی بر اینکه تمامی مفاهیم از تجربه نشئت می‌گیرند. تمایز میان ایده‌های داده‌شده^۶ و رونوشت‌ها مطابق تمایز متأخرتر هیوم میان /انطباعات^۷ و /ایده‌هاست، که رونوشت‌های انطباعات هستند؛ اما رید «ایده» را به معنای جامع مورد نظر لاک و بارکلی به کار می‌برد.

رید سعی داشت این تصویر را به کلی از میان بردارد. بارکلی تصویر مذکور را به طور کامل پذیرفته بود، اما لاک را به ناسازگاری در پیروی سرتاسری از آن متهم می‌کرد. بارکلی استدلال می‌کرد که از تصویر مورد بحث نتیجه می‌شود که ماده به عنوان علت خارجی ایده‌ها فهم‌ناپذیر است. آنچه وجود دارد، ایده‌هایی هستند که درون ارواح - هم ارواح متناهی و هم روح نامتناهی یعنی خداوند - جای گرفته‌اند. اما وی این امر را به شدت رد می‌کرد که نظام متافیزیکی حاصل‌شده به نحوی از انحا با اصول فهم عرفی ناسازگار است. جهان عادی ابژه‌های فهم عرفی سر جایش باقی می‌ماند. بارکلی معتقد بود که فلسفه‌اش، بر خلاف فلسفه لاک، قادر است این دیدگاه فهم عرفی را توجیه کند که این ابژه‌ها مستقیماً ادراک می‌شوند؛ آن‌ها ادراک می‌شوند، دقیقاً به این دلیل که ایده‌هایی درون ارواح از جمله خداوند هستند. بنابراین، در حالی که بارکلی معتقد بود که نظریه ایده‌ها در دستان لاک به شکاکیت می‌انجامد، فکر

1. sensation
2. reflection
3. perceive
4. thoughts
5. feelings
6. given
7. impressions

می کرد علت این است که لاک نظریه مذکور را به نحوی سازگار بسط نداده است. هنگامی که به نحوی درست و سرتاسری در نظر گرفته شود، آشکار می شود که ایده ماده به عنوان علت خارجی ایده ها فهم ناپذیر است. اما این ایده محصول فهم عرفی نیست، بلکه جعل فکری فلاسفه جسمک گرای^۱ قرن هفدهمی است.

تفاوت نیت و شیوه بارکلی و هیوم بسیار بیشتر از آن است که گاه گفته می شود. کشیشان می توانستند با بارکلی بسیار ساده تر از هیوم همدلی کنند. بارکلی نظامی از ایدئالیسم را پیش نهاد که طراحی شده بود تا دین را هم از تهدید شکاکنه و هم از تهدید مادی انگاران حفظ کند. هیوم استدلال شکاکنه را به نفع یک علم طبیعی درباره بشر به خدمت گرفت. او استدلال را به کار می گرفت تا نشان دهد که مرجعیت^۲ استدلال تا چه اندازه محدود است. در بیان درست، درواقع این مرجعیت به صفر می رسد. اما رید فکر می کرد این کار چیزی نیست مگر رساندن تبعات اصول لاک به حد حقیقی شان. هیوم او را متقاعد کرد که شیوه دفاعی بارکلی را نمی توان پذیرفت. او با اثباتی دقیق به رید نشان داد که از اصول لاک («که شکاک نبود») درواقع «نظامی از شکاکیت» نتیجه می شود که «جایی برای باور داشتن به یک چیز بیشتر از نقیضش باقی نمی گذارد» (R 95).

حرکت جالب توجه رید این بود که نظام ایدئال را یک فرضیه نامید، یک نظریه، یعنی چیزی که ورای امور داده شده است و مفروض گرفته می شود تا امر داده شده را تبیین کند. وجود ایده ها چگونه می تواند یک فرضیه باشد؟ آیا ایده ها دقیقاً همان چیزهایی نیستند که داده شده اند؟ رید دریافت که نظریه ایده ها «بر پیش داوری های طبیعی استوار است و برای همین است که به طور کلی به عنوان امری درهم تنیده با ساختار زبان دریافت می شود» (R 88). اما تصمیم گرفت اثبات کند که با موشکافی دقیق فرایندهای ادراک و اندیشه معلوم می شود که ایده ها خیالی هستند. وی با ظرافت بسیار استدلال کرد که نظام ایدئال آخرین جزمی است که براندازان [مکتب] فهم عرفی هنوز آن را برنینداخته اند و دقیقاً همان جزمی است که نمی توانند آن را بدون صدمه زدن به فهم عرفی براندازند. رید موضعش را بر دیدگاه نیوتنی درباره فرضیه ها بنا کرد، و بدین طریق توجه هر نیوتن احتمالی علوم اخلاقی در آینده را به خود جلب کرد.

رید با رد کردن نظریه ایده ها چه چیزی را رد می کرد؟ او منکر این نبود که ادراک و اندیشه متضمن حالتی ذهنی هستند که من بی واسطه آن را احساس می کنم. بنابراین، رد وی

1. corpuscularist

2. authority

آن‌چنان که اصطلاح «فرضیه» ممکن است به ذهن متبادر کند، ریشه‌ای نیست: او از منظری بیرونی به ذهن نگاه نمی‌کرد، بلکه کماکان به منظر آگاهی متوسل می‌شد. آنچه رید رد می‌کرد در نظر گرفتن این حالات ذهنی به عنوان/بث‌هایی بود که ما ادراک می‌کنیم، و این که بازنمایی‌هایی^۱ از چیزهایی و رای خودشان هستند.

مورد ادراک را در نظر بگیرید. هنگامی که چیزی را می‌بینم یا لمس می‌کنم، حسی دارم. اما حس‌ها^۲ حالات ذهنی‌اند نه شیء. تمایل به شئی‌بخشی^۳ به آن‌ها یکی از سرچشمه‌های نظریه ایده‌هاست؛ رید به شیوه‌ای که یاد آورد فلسفه متأخرتر است، فکر می‌کند که این امر از یک توهم دستورزبانی نشئت می‌گیرد:

همین شیوه بیان برای اشاره به حس و ادراک نیز به کار گرفته می‌شود؛ و در نتیجه آماده‌ایم تا به آن‌ها به عنوان چیزهایی با ماهیت مشابه نگاه کنیم. بدین ترتیب، دردی را احساس^۴ می‌کنم و درختی را می‌بینم. مورد اول به یک حس دلالت دارد و مورد دوم به یک ادراک. تحلیل دستورزبانی هر دو عبارت یکسان است: چرا که هر دو از یک فعل معلوم و یک مفعول تشکیل شده‌اند. اما، اگر به چیزهایی که این عبارت‌ها حاکی از آن‌اند، توجه کنیم، درخواست یافت که در مورد اول، تمایز میان فعل و مفعول واقعی نیست، بلکه دستورزبانی است؛ اما در مورد دوم، تمایز نه تنها دستورزبانی است، بلکه واقعی نیز هست.

صورت عبارت من درد را احساس می‌کنم ممکن است این طور به نظر برسد که می‌گوید احساس کردن چیزی متمایز از درد احساس شده است؛ اما درواقع، چنین تمایزی وجود ندارد. همچنان که اندیشیدن به یک اندیشه عبارتی است که از چیزی بیش از اندیشیدن حکایت نمی‌کند، پس احساس کردن یک درد نیز حاکی از چیزی بیش از در حالت درد بودن نیست. آنچه درباره درد گفتیم را می‌توان درباره هر حس صرف دیگر نیز به کار بست (R 182-3).

دوم آنکه حس‌ها به هیچ وجه مشابه آنچه حس می‌شود نیستند. رید اغلب تأکید می‌کند که خود حس‌ها اثره‌ای ندارند. او این نکته را از بار کلی اخذ می‌کند که هیچ چیزی شبیه یک ایده نیست مگر یک ایده دیگر. رید با بار کلی در این خصوص موافق بود که هرگز نمی‌توانیم از مفهوم یک حس به مفهوم یک شیء خارجی برسیم، اما فکر نمی‌کرد که این نتیجه‌گیری وی را به ایدئالیسم ملزم می‌کند. حس‌ها «نشانه‌هایی طبیعی» هستند که با استفاده از غریزه‌ای اصیل، و بدون استنتاج، از آن‌ها به باورهای ادراکی گذر می‌کنیم.

1. representations
2. sensations
3. reification
4. feel